

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۴۲۷۲۲

دانشگاه شهید بهشتی
دانشکده معماری و شهرسازی
گروه تاریخ معماری و مرمت ابنیه و بافتها



معماری کوچ در عشایر قشقایی

رساله برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته مطالعات معماری ایران

۱۳۸۹ / ۷ / ۲۴

کتابخانه مرکزی
تهیه مرکز

دانشجو:

مینو لفاقچی

استاد راهنما:

آقای مهندس کامبیز حاجی قاسمی

بهمن ۱۳۸۸

۱۴۲۶۶۲

مشخصات رساله

لناقچی، مینو، ۱۳۶۱ -

شماره دانشجویی: ۸۵۴۱۹۰۹۳

معماری کوچ در عشایر قشقایی

رساله برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته مطالعات معماری ایران، تهران،

دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی، ۲۱ بهمن ۱۳۸۸

[به راهنمایی — و — و مشاوره —]

تعداد صفحه‌های رساله [— ص]

کلیدواژه: (۱) کوچ‌نشینی (۲) عشایر قشقایی (۳) حریم (۴) قلمرو (۵) فضای باز و بسته

کلیه حقوق قانونی این اثر مطابق قوانین جمهوری اسلامی ایران و قوانین بین‌المللی حقوق مؤلف و مصنف برای دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی و مؤلف محفوظ است.



دانشگاه شهید بهشتی
دانشکده معماری و شهرسازی
گروه تاریخ معماری و مرمت ابنیه و بافتها

گواهی دفاع از رساله کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران

هیئت داوران رساله کارشناسی ارشد جناب آقای / سرکار خانم مینو لنافچی در رشته مطالعات معماری ایران را با عنوان معماری کوچ در عشایر قشقایی در تاریخ ۸۸/۱۱/۲۱ بررسی و با درجه تصویب کرد.

امضا	دانشگاه / مؤسسه	نام و نام خانوادگی	هیئت داوران
			۱ استاد راهنمای اول
			۲ استاد راهنمای دوم
			۳ استاد مشاور
			۴ داور خارجی
			۵ داور خارجی
			۶ داور داخلی
			۷ داور داخلی
			۸ نماینده تحصیلات تکمیلی

تقدیم

به همسر عزیزم هادی خیابانی
و به پدر و مادر مهربانم

تقدیر

از همه استادان گرامی گروه مطالعات معماری ایران که فرصت انجام این تحقیق را در اختیار من گذاردند، صمیمانه سپاسگزارم.

از آقای مهندس کامبیز حاجی قاسمی که با راهنمایشان مسیر این کار را روشن کردند و بدون یاری ایشان این کار به سرانجامی شایسته نمی‌رسید، قدردانی می‌کنم.

از عشایر شریف و مهربان قشقایی به جهت مهمان‌نوازی‌های بی‌شائبه و همکاری صمیمانه آنها در طول اقامت‌م در ایل سپاسگزارم و خود را مرهون بزرگواری‌های آنان می‌دانم.

و همچنین از خانواده‌ام

از پدر و مادر مهربانم که همیشه مشوق و حامی من بوده‌اند؛

و از همسر عزیزم که هادی و همراه من است.

خدا را به پاس این همه نعمت شکر می‌گویم.

چکیده

این نوشتار درباره معماری کوچ در عشایر قشقایی است. هدف از آن جستجوی تاثیر زندگی کوچ‌نشینان بر خصوصیات معماری است. چراکه آنها با شیوه خاص معاش خود فصولی از سال را در حرکت از مکانی به مکان دیگر و سپس بازگشت مجدد به همان مکان به‌سر می‌برند. پس ظرف زندگی آنها همچون یکجانشینان نیست. چراکه با تغییر روش زندگی معماری هم تغییر می‌کند و زندگی متحرک، معماری متحرکی را می‌سازد. شواهدی هست که نشان می‌دهد این نوع زندگی در ایران سابقه طولانی دارد.

برای شناخت معماری کوچ باید شناختی از زندگی کوچ‌نشینان به‌دست آوریم. در انجام این رساله در مرحله اول، به تناسب پرسش‌های تحقیق به منابع موجود (شامل منابع دست اول، منابع دست دوم، فیلم‌ها، و عکس‌های موجود) رجوع کرده و به منظور یافتن پاسخ پرسش‌ها به جمع‌آوری شواهد از خلال متون و فیلم‌ها پرداخته و سپس داده‌ها طبقه‌بندی شده‌اند. سپس از طریق مشاهده مستقیم و مصاحبه با افراد کوچ‌نشین قشقایی در محل‌های زندگی آنها هر یک از شواهد موجود در کتاب‌ها و فیلم‌ها ارزیابی شده‌اند. از آنجا که این شیوه زندگی هنوز در میان عشایر قشقایی رایج بوده بخش اعظمی از این کار بر اساس مطالعات میدانی است.

حاصل تحقیق بحث همزیستی کوچ‌نشینان با طبیعت اطرافشان است. سازگاری با محیط طبیعی پیرامون رکن مهمی در زندگی کوچ‌نشینان قشقایی است. چراکه طبیعت بستر اصلی زندگی عشایر است و آن‌ها همواره به طور مستقیم با آن در ارتباط‌اند. طبیعت در همه ارکان زندگی کوچ‌نشینی، تمامی امور مادی و معنوی آن‌ها، مؤثر است. چنانکه بسیاری از ابزارهای زندگی عشایر قشقایی برگرفته از طبیعت اطرافشان است. همچنین باورها و آداب و رسوم کوچ‌نشینان قشقایی نیز از این همزیستی متأثر است. برای مثال فضای باز بزرگ میان چادرها در قلمرو عشایر تجلی‌گاه فضایی عمومی برای اجرای مراسم آیینی است که خود با طلب رحمت و برکت از طبیعت اطرافشان همراه است.

فهرست مطالب

۲ فهرست تفصیلی
۵ مقدمه
۱۴ بخش اول: شناخت زندگی کوچ‌نشینی و عشایر قشقایی
۱۵ فصل اول: تعریف و خصوصیات زندگی کوچ‌نشینی
۲۲ فصل دوم: شناخت عشایر قشقایی
۳۰ فصل سوم: بررسی بستر تاریخی و جغرافیایی عشایر قشقایی
۴۰ بخش دوم: معماری کوچ در عشایر قشقایی
۴۲ فصل چهارم: بررسی زندگی کوچ‌نشینی عشایر قشقایی و ساختار فضاها
 فصل پنجم: بررسی کارکرد، خصوصیت، و همجواریهای فضاها معماری کوچ در
۶۵ عشایر قشقایی
۹۰ فصل ششم: بررسی عناصر و اجزای سازنده سیاه‌چادر
۱۰۴ انجامه
۱۰۹ واژه‌نامه
۱۱۲ پیوست‌ها
۱۵۵ فهرست منابع و مآخذ

فهرست تفصیلی

مقدمه ۷

بخش اول: شناخت زندگی کوچ‌نشینی و عشایر قشقایی ۱۴

۱. فصل اول: تعریف و خصوصیات زندگی کوچ‌نشینی ۱۵

۱-۱. تعریف کوچ‌نشینی ۱۵

۲-۱. تاریخچه و علل پیدایش کوچ‌نشینی در ایران ۱۶

۳-۱. نتیجه ۲۰

۲. فصل دوم: شناخت عشایر قشقایی ۲۲

۱-۲. معرفی ساختار اجتماعی عشایر قشقایی ۲۲

۲-۱-۱. طوایف و تیره‌های ایل قشقایی ۲۴

۲-۲. جمعیت عشایر قشقایی ۲۷

۳-۲. نتیجه ۲۸

۳. فصل سوم: بررسی بستر تاریخی و جغرافیایی عشایر قشقایی ۳۰

۱-۳. شناخت بستر تاریخی ۳۰

۱-۱-۳. مهاجرت قشقایی‌ها به ایران ۳۱

۲-۳. شناخت بستر جغرافیایی ۳۴

۱-۲-۳. مکان‌های عشایر قشقایی در بیلاق و قشلاق ۳۵

۲-۲-۳. ایل‌راه‌های عشایر قشقایی ۳۵

۳-۳. نتیجه ۳۹

بخش دوم: معماری کوچ در عشایر قشقایی ۴۰

۴. فصل چهارم: بررسی زندگی کوچ‌نشینی عشایر قشقایی و ساختار فضاها ۴۴

۴-۱. بررسی زندگی کوچ‌نشینی عشایر قشقایی ۴۴

۴-۲. بررسی قلمروهای عشایر قشقایی ۴۵

۴-۲-۱. عوامل موثر در قلمرو استقرار عشایر قشقایی ۵۴

۴-۲-۲. معرفی ساختار فضاها و تشکیل دهنده قلمرو قشقایی ۵۷

۴-۳. نتیجه ۶۲

۵. فصل پنجم: بررسی کارکرد، خصوصیت، و واحدهای همسایگی فضاها معماری

کوچ در عشایر قشقایی ۶۵

۵-۱. کارکرد فضاها ۶۵

۵-۱-۱. بررسی کارکردها بر اساس موقعیت اجتماعی افراد ایل ۶۵

۵-۱-۲. بررسی کارکرد بر اساس عناصر فضا ساز داخل سیاه چادر ۶۹

الف. تکیه‌گاه ۶۹

ب. طاقچه ۷۰

ج. سکو ۷۰

خ. اجاق ۷۱

۵-۲. بررسی خصوصیت فضاها ۷۴

۵-۲-۱. شکل سیاه‌چادر ۷۴

۵-۲-۲. ابعاد و تناسبات سیاه‌چادر ۷۵

۵-۲-۳. فضای باز و بسته و خصوصیت آنها ۷۶

۵-۲-۴. تشابه سیاه‌چادر با ایوان و رواق ۸۱

۵-۳. همجواریهای فضاها معماری کوچ در عشایر قشقایی ۸۲

۵-۳-۱. حریم‌ها و دسترسی‌ها ۸۲

۵-۳-۲. فضای باز بزرگ میان چادرها ۸۵

۵-۳-۳. نظم سازماندهی همسایگی چادرها ۸۶

۵-۳-۴. دید و منظر واحدهای همسایگی ۸۶

۴-۵. نتیجه گیری ۸۷

۶. فصل ششم: عناصر و اجزای سازنده سیاه چادر ۹۰

۱-۶. شناخت اجزای سازنده سیاه چادر ۹۰

۱-۱-۶. مقایسه اجزای انواع چادرهای عشایر قشقای ۹۹

۲-۶. چگونگی نصب سیاه چادر ۱۰۰

۳-۶. نتیجه گیری ۱۰۱

۱۰۴	انجامه
۱۰۹	واژه نامه
۱۱۲	پیوست ها
۱۵۵	منابع و مأخذ
۱۶۰	فهرست مأخذ تصاویر

مقدمه

این رساله به معماری کوچ در عشایر قشقایی^۱ اختصاص دارد. معماری کوچ نگاهی دیگر به تاریخ معماری این سرزمین است، از آغاز تا امروز. نگاهی که برخاسته از زندگی کوچ‌نشینان بوده است. آنهایی که فصولی از سال از مکانی به مکان دیگر جا به جا می‌شوند و هرچه دارند با خود می‌برند: خانه را می‌برند، اسباب را می‌برند، دام‌هایشان را هم می‌برند، و همان‌ها را در جابه‌جایی دیگر با خود برمی‌گردانند.

سوالاتی از جنس «چرا و چگونه» در اینجا مطرح می‌شوند: آنها اصلاً چرا جا به جا می‌شوند؟ چرا هرچه دارند با خود می‌برند؟ چگونه يك خانه را از مکانی به مکان دیگر جا به جا می‌کنند؟

مگر نه اینکه معماری همیشه يك اثر است. اگر این‌طور است معماری کوچ چیست؟
مشخصه‌هایش چیست؟

برای وارد شدن به معماری کوچ باید روش زندگی کوچ‌نشینان را جستجو کرد. همان‌طور که برای شناخت هر اثر ثابت معماری چگونگی زندگی انسانها درون آن اثر جستجو می‌شود. چون زندگی انسان بدون ظرف محقق نمی‌شود، پس هر سخنی درباره زندگی انسان غالباً با سخن از ظرف زندگی او همراه است. پس تاریخ معماری هم تاریخ ظرف زندگی انسان است.

و اما کوچ‌نشینان!

ظرف زندگی آنها چیست؟

مگر نه اینکه آنها هم اینجا هستند و هم آنجا!

نه اینجا هستند و نه آنجایی!

مگر نه اینکه دائماً جابه‌جا می‌شوند! و یا شاید ناگزیرند جابه‌جا شوند!

پس زندگی متحرکی دارند.

پس تمامی ارکان زندگی آنها همه امور مادی و معنویشان متأثر از همین شیوه زندگی است.

پس خانه‌هایشان هم يك اثر ثابت نیست.

و معماریشان هم.

^۱ در این تحقیق هر جا سخن از «عشایر قشقایی» به میان آمده، منظور آن دسته از خانوارهای عشایر قشقایی هستند که دارای ویژگی‌های دو گانه زیر بوده‌اند:

۱. اتکای عمده زندگی به اقتصاد دامی.

۲. زندگی کوچ‌نشینی (کوچ بین بیلاق و قشلاق).

همه چیز متأثر از زندگی متحرک شکلی متحرک به خود گرفته است.

و اما هدف از این رساله:

جستجوی این تاثیرات در معماری است. جستجوی تاثیر زندگی کوچ‌نشینان بر خصوصیات معماری. جستجوی تاثیر زندگی کوچ‌نشینان بر تاریخ معماری ایران.

چرا تاریخ معماری؟

چراکه کوچ‌نشینان سابقه طولانی در تاریخ ایران زمین دارند. آنها درصد مهمی از جمعیت را در تاریخ ایران به خود اختصاص داده بودند و در کنار جامعه یکجانشین جامعه دیگری را تشکیل می‌دادند. تاریخ معماری ایران تنها در آثار ثابتی که مختص زندگی یکجانشینان است خلاصه نمی‌شود. بلکه جامعه کوچ‌نشین هم سهمی از معماری ایران را به خود اختصاص می‌دهند و به درستی که می‌توان اظهار کرد بدون معماری کوچ تاریخ معماری ایران کامل نیست. بنا بر این اهمیت این تحقیق برای تاریخ معماری ایران امری کاملاً ضروری است.

در سرزمین ایران گستره متنوعی از کوچ‌نشینان در نقاط مختلف زندگی می‌کنند. هریک از این کوچ‌نشینان فرهنگ و شیوه زندگی متفاوتی دارد که به رغم تشابهات بسیار با سایر کوچ‌نشینان، کیفیتی منحصر به فرد به آنها می‌بخشد و آنها را از یکدیگر منفک می‌سازد. بررسی مشخصات معماری کوچ در همه گستره زندگی ایلی ایران در این مجال محدود ممکن نیست. بنا بر این برای پاسخگویی به سوالات، تحقیق حاضر به عشایر قشقایی محدود شده است. چراکه آنها سابقه بسیار طولانی در این نوع زندگی دارند و هنوز هم بسیاری از اقوام^۲ آنها به شیوه پدرانشان زندگی می‌کنند.^۳ به این ترتیب مطالعه عشایر قشقایی می‌تواند دریچه‌های بیشتری را به سوی پیشینه معماری کوچ بگشاید.

با وجود اینکه زندگی کوچ‌نشینی در ایران زمین قدمت چندین هزار ساله دارد^۴، تلاش‌هایی که برای شناسایی و معرفی معماری حاصل از این نوع زندگی صورت گرفته است سابقه چندانی ندارد و به جرأت می‌توان گفت بی‌سابقه است.

همچنین این معماری متأثر از تحولات معاصر دستخوش تغییرات بسیار شده است. این تحولات اساسی در زندگی این ایل تا حدود بسیاری از تنوع و غنای معماریشان کاسته و صورتی بسیار ساده‌تر به آن بخشیده است. بنا بر این شناخت

^۲ در این تحقیق منظور از اقوام، گروه‌های خویشاوندی است.

^۳ طبق آمار سازمان عشایر ایران، کوچ‌نشینان قشقایی در ۱۳۸۶ بالاترین جمعیت عشایر ایران را داشته‌اند.

^۴ ن. که‌فصل سوم همین رساله.

کامل این معماری با محدودیت‌های فراوانی مواجه است. با در نظر گرفتن چنین محدودیت‌هایی قسمت اعظمی از این تحقیق بر اساس کار میدانی و تجربه مستقیم زندگی در میان عشایر قشقایی به همراه بوده است. چراکه در حال حاضر شاهد زنده‌ای از کوچ‌نشینی و به تبع آن معماری کوچ - ولو اندک - ولی برجاست و این خود چه فرصت مغتنمی است.

در انجام این رساله در مرحله اول، به تناسب پرسش‌های تحقیق به منابع موجود (شامل منابع دست اول، منابع دست دوم، فیلم‌ها، و عکس‌های موجود) رجوع کرده و به منظور یافتن پاسخ پرسش‌ها به جمع‌آوری شواهد از خلال متون و فیلم‌ها پرداخته و سپس داده‌ها را طبقه‌بندی کرده‌ایم. سپس از طریق مشاهده مستقیم و مصاحبه با افراد کوچ‌نشین قشقایی در محل‌های زندگی آنها هر یک از شواهد موجود در کتاب‌ها و فیلم‌ها ارزیابی شده‌اند. بنابراین این تحقیق در سه مرحله در مقاطع گوناگون زمانی صورت گرفته است:

مرحله اول: از نیمه دوم اسفند ۱۳۸۶ تا نیمه دوم خرداد ۱۳۸۷، پژوهش‌های صرفاً کتابخانه‌ای و مشاهدات فیلم‌های مستند.

مرحله دوم:

از نیمه دوم تیر تا پایان شهریور ۱۳۸۷، سفر در فصول ییلاقی و زندگی با عشایر قشقایی.

از نیمه دوم مهر تا پایان اسفند ۱۳۸۷، سفر در فصول قشلاقی و زندگی با عشایر قشقایی.

از اواخر نیمه اول فروردین تا اواخر نیمه دوم فروردین ۱۳۸۸، سفر کوچ با عشایر قشقایی.

طی مدت یاد شده مسافتی حدود ۱۵۰ کیلومتر راه در قلمرو عشایر قشقایی پیموده شده است. چگونگی زندگی عشایر قشقایی، ابزارهای زندگی آنها، روابطشان با طبیعت، چگونگی حرکت و توقف آنها و فعالیت‌هایشان از نزدیک مشاهده شده است. چنانچه شکل و تناسبات فضاهایشان نیز موشکافانه بررسی و مساحی شده‌اند.

مرحله سوم:

شامل ادامه پژوهش‌های کتابخانه‌ای و تطبیق آنها با مطالعات میدانی است، که از اوایل اردیبهشت ۱۳۸۸ تا اوایل مرداد ۱۳۸۸ انجام شده است.

این رساله مبتنی بر پرسش‌های بنیادین تحقیق در دو بخش تنظیم شده است. در بخش اول، به «شناخت زندگی کوچ نشینی و عشایر قشقایی» پرداخته می‌شود.

بدون شك، شناخت زندگی کوچ‌نشینی لازمه شناخت اهمیت این شیوه زندگی است. همچنین تاریخ کوچ‌نشینی بیانگر سابقه این نوع زندگانی است، که نه تنها در ایران بلکه در اقصی نقاط جهان رایج بوده است.^۵

همچنین با معرفی ایل قشقایی که با معرفی ساختار اجتماعی آن همراه است، امکان شناخت انسان‌هایی فراهم می‌شود که ظرف زندگی کوچ‌نشینی متناسب با آنها شکل می‌گیرد. همچنین شناخت بستر تاریخی عشایر قشقایی، قسمت مهمی از این بخش را در شناسایی و معرفی رویدادهای کوچ‌نشینان قشقایی و نقش آنها در تاریخ ایران زمین به خود اختصاص داده است. و نیز مطالعه بستر جغرافیایی که امکان معرفی سرزمین عشایر قشقایی و دلایل جابه‌جایی‌های آنها در این سرزمین منحصر به فرد را فراهم می‌کند، اهمیت فراوانی دارد.

در بخش دوم این رساله سعی خواهد شد تا «شناختی نسبت به معماری کوچ‌نشینان قشقایی» پدید آید. در طول این بخش تلاشی شده تا این شناخت معمارانه از طریق بررسی زندگی کوچ‌نشینان قشقایی و شناخت ساختار فضاها، کارکرد فضاها، خصوصیات فضاها، همجواریها و در نهایت شناخت عناصر و اجزای سازنده چادرها در قلمرو^۶ عشایر قشقایی به‌دست آید:

به منظور شناخت معماری کوچ در عشایر قشقایی، مرحله اول این بخش، به شناخت زندگی آنها در قلمرو هر یک اختصاص یافته است. سپس از این طریق به بازشناسی ساختار فضاها در معماری قشقایی پرداخته شده است و نیز تلاشی شده تا ارتباط بنیادین آنها درک شود. در مرحله دوم کارکردها و خصوصیات^۷ فضاها

^۵ ن. ک. فصل اول این رساله.

^۶ در این تحقیق منظور از «قلمرو»، محدوده‌ای از بستر زندگانی یک خانوار عشایری است که مالکیت آن متعلق به آن خانوار است.

^۷ خصوصیات فضاها از نظر شکل سیاه‌چادرها، ابعاد و تناسب آنها، و فضاها باز و بسته مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

معماری کوچ و واحدهای همسایگی^۸ آنها بررسی شده‌اند. و در آخرین مرحله این بخش عناصر و اجزای تشکیل دهنده چادرهای عشایر قشقایی بررسی می‌شوند.^۹

تاریخ معماری کوچ که تاریخی زنده است، گهگاه آمیخته با افسانه‌ها و باورهای مردمان آن است. افسانه‌ها و باورهایی که متأثر از چگونگی زندگی آنها است و نقش این تاثیر آشکارا در معماری آنها هم رسوخ کرده است. پس در این تحقیق از خصوصیات زندگی عشایر قشقایی و رسم‌ها و آیین‌ها به مواردی پرداخته می‌شود که در معماری موثرند.

از ابزار این تحقیق منابع تصویری و منابع مکتوب قابل دسترس هستند که شامل موارد زیر هستند:

الف: منابع تصویری

فیلم‌ها، عکس‌ها، و طرح‌ها، از مهمترین اسناد و منابع تصویری‌اند.

فیلم‌ها:

فیلم مستند علف، از مریان سی کویر، ارنست بی شود ساک، وهریسون، زندگی مردم عشایر بختیاری را در بیلاق و قشلاق و در مدت کوچ و آداب و رسوم و مراسم آن‌ها و چگونگی کوچ آن‌ها را در اوایل دوره پهلوی به تصویر کشیده است. از آن‌جا که عشایر قشقایی و بختیاری در بسیاری از مسائل و آداب و سنن و حتی شکل چادرها شباهت‌های زیادی با یکدیگر دارند، این فیلم کمک بزرگی در جهت شناخت شیوه زندگی قشقایی‌ها در گذشته نیز می‌باشد. فیلم‌های دیگری همچون قوم باد، تاراز، و فیلم ناصرخان قشقایی از این جمله‌اند.

عکس‌ها و طرح‌ها:

تاریخچه رواج عکاسی در ایران به دوره ناصرالدین شاه قاجار بر می‌گردد.^{۱۰} بنا بر این قبل از دوران قاجار عکسی از کوچ‌نشینان موجود نیست. هر چند عکس‌هایی

^۸ واحدهای همسایگی از نظر حریم‌ها و دسترسی‌ها، فضای باز بزرگ میان چادرها، نظم سازماندهی همسایگی چادرها، و دید و منظر واحدهای همسایگی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

^۹ در این تحقیق اطلاعات حاصل از مطالعات میدانی در اکثر قلمروهای بازدید شده یکسان بودند. بنا بر این به دلیل محدودیت صفحات رساله نمونه‌هایی از آنها در حد آشنایی با چگونگی قلمروهای عشایر معرفی شده‌اند. در قسمت پیوست‌ها در آخر همین رساله اطلاعات سایر قلمروهای عشایر قشقایی مبتنی بر مطالعات میدانی معرفی شده‌اند. همچنین اطلاعات مربوط به شکل و تناسبات فضاها همگی بر اساس مساحی دقیق نگارنده در مطالعات میدانی صورت گرفته است.

هم که از دوره قاجار موجوداند بسیار محدود و به دلیل کیفیت نامناسب عکس‌ها و سیاه و سفید بودن آن‌ها اغلب ناکارآمداند. اما در میان عکسهای باقی مانده عکسی که متعلق به کوچ‌نشینان قشقایی باشد علیرغم جستجوی زیاد و به دلیل محدودیت‌های منابع موجود انگشت شمار است. طرح‌های محدودی از میان منابع مکتوب دوره قاجار موجوداند که تنها تصویری از کلیات چادرنشینی و یا تصویری از جزئی از اجزای تشکیل دهنده چادرها را به تصویر کشیده‌اند. از جمله این طرح‌ها در سفرنامه مادام دیولافوا دیده می‌شود. تفاوت اساسی این طرح‌ها به عنوان اسناد و شواهد تاریخی، با عکس‌ها یا فیلم‌های مستند موجود در این است که فیلم مستند و عکس اسناد مطمئنی هستند که تصویری از حقیقت را در خود مجسم کرده‌اند، ولی طرح‌ها از خطا مبرا نیستند.

ب: منابع مکتوب:

منابع مکتوب به عنوان بخش مهمی از اسناد، در کنار تصاویر به جا مانده نقش مهمی در شناخت معماری کوچ در عشایر قشقایی دارند.

منابع دست اول:

اطلاعات متون دست اول درباره زندگی کوچ‌نشینان بسیار متعدد و راهگشا هستند. از مهم‌ترین این منابع سفرنامه‌ها می‌باشند.

منابع دست دوم:

پس از منابع دست اول، منابع دست دوم به مثابه تفاسیر اسناد و شواهد موجود در مرتبه بعدی قرار می‌گیرند. این منابع علاوه بر تالیف اسناد و شواهد در برخی موارد نکات ارزنده‌ای را یادآوری می‌کنند. در این رساله سعی شده علاوه بر منابع دست اول به ذکر آرای منابع دست دوم نیز پرداخته شود.

منابع اینترنتی:

به دلیل قلت منابع در دسترس و به خصوص شکل چادرهای دیگر عشایر ایران در برخی موارد ناگزیر، از اطلاعات موجود در سایت‌ها استفاده شده است.

از میان منابع مکتوب کتابی که بسیار مبسوط و متمرکز به فنون کوچ‌نشینی عشایر قشقایی پرداخته کتاب کوچ‌نشینان قشقایی فارس از پیر ابرلینگ^{۱۱} است. ابرلینگ به‌طور عمده هم خود را مصروف آن داشته که تاریخ ایل قشقایی را از زمان پیدایش تا عصر حاضر مدون سازد و ماجراهایی که بر این ایل اتفاق افتاده بررسی و

^{۱۰} ذکاء، تاریخ عکاسی، ۴

^{۱۱} ابرلینگ، پیر، کوچ‌نشینان قشقایی، تهران، ۱۳۵۳

تجزیه تحلیل کند. در این کتاب نقش مردم عامی با اشاره‌ای اندک مورد توجه قرار گرفته است، ولی زندگی روزمره عشایر در آن لمس نمی‌شود.

همچنین کتاب عرف و عادت در عشایر فارس اثر محمد بهمن بیگی^{۱۲} از دیگر آثاری است که نویسنده خود از عشایر فارس بوده و به خوبی این عشایر و آداب و رسومشان را می‌شناسد. همان‌طور که وی در مقدمه می‌نویسد، تمام اطلاعات گزارش شده کتاب توسط او هنگام زندگی در میان عشایر قشقایی جمع‌آوری شده است. اهمیت و ارزش کار بهمن بیگی در همین نهفته است.

اطلاعات بسیار مهم از ایلات فارس در کتاب دو جلدی *فارسانامه ناصری* میرزا حسن فسایی^{۱۳} گنجانده شده است. *فارسانامه ناصری* در سال ۱۸۸۶-۸۷ به پایان رسید و کامل‌ترین و مفصل‌ترین شرح‌نامه استان فارس نه تنها برای قرن ۱۹ که برای قرن حاضر می‌باشد. اطلاعات ذکر شده درباره عشایر فارس، جمعیت آنان و تقسیمات قومی تا حد زیادی منبع اطلاعاتی برای دیگر محققینی شد که درباره ایلات فارس نوشته‌اند.

مؤلف از اطلاعات قومی ارائه شده در کتاب سه جلدی *مسعود کیهان*^{۱۴} *جغرافیای مفصل ایران* و جلد اختصاص یافته به فارس *جغرافیای نظامی ایران* نوشته علی رزم‌آرا^{۱۵} استفاده کرده است. لازم به ذکر است که داده‌های علی رزم‌آرا در خصوص عشایر فارس تا حد زیادی رونوشت لغت به لغت صفحات کتاب م. کیهان است. فقط در رابطه با تعداد ایلات و تقسیمات قومی آنان، داده‌های رزم‌آرا در برخی موارد از اطلاعات ارائه شده م. کیهان متفاوت است.

بسیاری از اطلاعات جالب و ارزنده درباره عشایر فارس را در یادداشت‌های سفر به فارس و مقالات جهانگردان اروپایی که از فارس و اقوام فارس دیدن کرده‌اند می‌توان یافت. به طور مثال اطلاعات کلی درباره ایلات قشقایی در مقاله آ.آ. روماسکوویچ به نام *آوازه‌های قشقایی* منتشره در مجموعه موزه مردم‌شناسی و نژاد شناسی آکادمی علوم اتحاد شوروی «جلد پنجم» چاپ دوم، در سال ۱۹۲۵ آمده است. این اطلاعات توسط آ.آ. روماسکوویچ در زمان اقامتش در شیراز در بهار و تابستان ۱۹۱۴ به دست آمده است. همچنین باید به دو مقاله پزشک نظامی انگلیسی،

^{۱۲} بهمن بیگی، محمد، *عرف و عادت در عشایر فارس*، تهران، ۱۳۲۴.

^{۱۳} میرزا حسن فسایی، *فارسانامه ناصری*، تهران، ۱۳۱۳.

^{۱۴} کیهان، مسعود، *جغرافیای مفصل ایران*، ج ۱، ۲ و ۳، تهران ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱.

^{۱۵} رزم‌آرا، علی، *جغرافیای نظامی ایران*، فارس، تهران، ۱۳۲۳.

او. گارود^{۱۶} اشاره کرد، که اوایل سال‌های ۴۰ طی سالیان دراز در فصل کوچ تابستانی و زمستانی در میان ایلات قشقایی بوده است.

اطلاعات جالبی از اقوام قشقایی را ماریاترزا اولنس دو شوتن در کتابش درباره قشقایی‌ها می‌آورد که حاوی خاطرات دو سفر نویسنده به میان عشایر قشقایی در بهار سال ۱۹۵۳ به منطقه فیروزآباد و مرکز کوچ زمستانی و منطقه کوچ تابستانی این عشایر می‌باشد.^{۱۷} گرچه اولنس دوشوتن تقریباً به‌طور کامل مسئله سلسله مراتب اجتماعی در میان عشایر قشقایی را نادیده گرفته است، با این حال اطلاعاتی که در خصوص جمعیت و نحوه زندگی قشقایی‌ها بیان کرده است، به‌عنوان یک شاهد عینی ارزشمند است.

برخی از اطلاعاتی که عضو دادگاه عالی آمریکا، او. داگلاس درباره قشقایی‌ها در کتاب حاوی شرح سفر خود به قشقایی در سال ۱۹۵۰ گزارش داده بسیار ارزشمند است.^{۱۸}

همچنین در این رساله از سفرنامه‌های دیگر جهانگردان اروپایی و آمریکایی که در قرن‌های ۱۹ و ۲۰ از فارس دیدن کرده‌اند، هرچند اطلاعاتی مختصر از اقوام فارس می‌باشد استفاده شده است. (فلاندرن^{۱۹}، گروتو^{۲۰}، دیولافوآ^{۲۱}، آوری^{۲۲}، دوید^{۲۳} و غیره).

از سفرنامه‌ها و کتاب‌های دیگر سیاحان و مورخان که اطلاعاتی مشابه با اطلاعات اقوام کوچ‌نشینان قشقایی ارائه داده‌اند، در این رساله استفاده شده است. کتاب مقدمه ابن‌خلدون^{۲۴} و سفرنامه کلویخو^{۲۵} از این جمله‌اند.

همچنین از مقالات و.و. بارتولد در خصوص قشقایی‌ها منتشره در *دایره‌المعارف اسلامی*^{۲۶}، اطلاعات مردم‌شناس آمریکایی هنری فیلد^{۲۷} درباره اقوام فارس، در این رساله استفاده شده است.

¹⁶ "Journal of the royal central asian Society" :

1. "The Nomadic tribes of Persia today", 1946, Jan., vol 33, pt. 1. p. 32-46

2. "The Qashqai tribes of Fars", 1946, July- oct. vol.33, pt.3-4, p. 293-306

¹⁷ M. T. Ullens de Schooten. Lords of Mountains. *Southern Persia and the qashai tribe*. London, 1956.

¹⁸ W. Douglas. *Strange and friendly people*. London, 1952.

¹⁹ E. Flandin. "Tehran, Isphan, Chiraz et le Colfe Persique", 1851.

²⁰ Grotehujo

²¹ Dieulafog

²² P. W. Avery. "By car from Shiraz to Khusistan", Royal Central Asian Journal, vol. XLVI, pt. III-IV, 1957.

²³ Debode

²⁴ ابن‌خلدون، مقدمه، جلد اول، ۱۳۷۵.

²⁵ Clavijo

²⁶ "Encyclopedie de l'Islam". Vol. II, P. 837. II, P. 837; vol. III, P. 43.

با توجه به اینکه در این مورد خاص اولین کاری است که بدین صورت ارائه می‌شود، شاید مهمترین منابع قابل استفاده این‌ها بودند و با توجه به زنده بودن این تاریخ بیشتر متکی بر کار میدانی بوده است. مسئولان سازمان عشایر استان فارس و محققانی که خود از ایلات قشقایی بودند در این میان بسیار موثر بوده‌اند. در پایان اینکه در این تحقیق، افزون بر منابع نوشتاری، از منابع شفاهی نیز بهره خواهیم برد، زیرا فرهنگ شفاهی همواره در این سرزمین اهمیت فراوانی داشته و بسیاری از سنت‌ها و دانش‌های ارزشمند سینه به سینه منتقل می‌شده است. امروزه نیز بسیاری از افرادی که زندگیشان را در راه نگهداری میراث فرهنگی و معماری ایران گذاشته‌اند، سخنان با ارزش و نانوشته دارند که اگر آنها را نشنویم و ثبت نکنیم، با از دست رفتن ایشان دانششان را نیز از دست خواهیم داد.

در تدوین این رساله ذکر این نکته مهم ضروری است که عشایر قشقایی ترک‌زبان هستند و بسیاری از واژه‌های استفاده شده در این رساله معادلی در زبان عشایر قشقایی دارند. ولی در این رساله در همه جا واژه‌ها زبان معیار، و اصطلاحات تخصصی معماری استفاده شده است تا مطالعه و درک مطالب برای مخاطبان آسان شود و نیازی به جستجوی معنای واژه‌های بومی نباشد. ولیکن در اولین کاربرد هر واژه به اصطلاح بومی معادل آن در پانویست اشاره شده است.

²⁷H. Field. *Contribution to the Anthropology of Iran*. Chicago, 1939.